

هشدار! ماهنامه پسران ویژه بزرگسالان بوده و محتوای این مجله برای افراد زیر ۱۸ سال مناسب نمی باشد!

ماهنامه ویژه پسران همجنسگرا  
سال اول | شماره ۸ | اسفند ۱۳۹۶

**ماهنامه**

# پسران

آنچه در این شماره میخوانید ...

**گفتگو با سیما  
دوجنسگرای ایرانی**

**چرا و چگونه  
درباره سکس صحبت کنیم؟**

**آیا با ماساژ  
لاغری امکان پذیر است؟**

**مقایسه  
همجنسگرایان با قوم لوط**

**۴ افسانه  
درباره ترنس ها**

+ دهها مطالب دیگر

**سلامت  
مردان  
همجنسگرا**



Calvin Klein

جهت دانلود مجله به وب سایت ما مراجعه کنید:  
[www.PesaranMag.com](http://www.PesaranMag.com)

مجله اینترنتی

# پسران

ماهنامه ویژه پسران همجنسگرا  
سال اول ، شماره ۸ ، اسفند ۱۳۹۶



تعداد صفحات مجله :

**۷۲ صفحه**

با ما در ارتباط باشید:

وب سایت :

**www.PesaranMag.com**

پست الکترونیک:

**info@pesaranmag.com**

روبات تلگرام:

**@PesaranMagBot**

اینستاگرام:

**@Pesaran.Magazine**

آنچه در این شماره میخوانید ...

صفحه	فهرست عناوین
۳	هدف و اعتقاد نامه مجله پسران
۴	سخن سردبیر
۹	اینستاگرام مجله پسران
۱۱	گفتگو با سیما دوجنسگرای ایرانی
۲۳	معرفی ده حیوان همجنسگرا
۳۴	شعر و ادبیات
۳۵	سلامت مردان همجنسگرا
۳۹	کاریکاتور
۴۰	روبات تلگرام مجله پسران
۴۱	چرا و چگونه درباره سکس صحبت کنیم؟
۴۵	پیام رنگین کمانی
۴۶	کمپین دست های رنگین کمانی
۴۷	معرفی فیلم
۴۸	روش های دریافت مجله
۴۹	آیا لاغری با ماساژ امکان پذیر است؟
۵۳	مقایسه ی همجنسگرایان و قوم لوط
۵۸	دعوت به همکاری با مجله
۵۹	راهنمای دوست یابی اینترنتی اقلیت های جنسی
۶۵	چهار افسانه درباره ترنس ها
۶۹	تبریک تولد اسفند ماهی ها
۷۰	تقویم پسران ۱۳۹۷
۷۱	عکس برگزیده



# هدف و اعتقاد نامه مجله پسران

ما همه جا هستیم آزاد و برابر...

وقت آن رسیده که آزادانه عشق آدمیزاد به آدمیزاد را زندگی کنیم.

● با بردن پرچم رنگین کمان به همه جا به فرهنگ سازی پیرامون هویت های جنسی همجنس خواه و تراجنسیتی و عادی سازی حضور پررنگ و مداوممان در کنار دیگر گروه ها و گونه ها عینیت ببخشیم.

● با پیام های شخصی حمایت خود را از ایران آزاد و برابر برای دگرباشان جنسی اعلام کنیم.

● با بیان روایاتمان از خشونت و اظهار آرزوهایمان به شکل گیری تصویری حقیقی از زندگی دگرباشان ایرانی در داخل و خارج ایران کمک کنیم.

● با ایجاد گفتگو در درون جامعه ایرانی به بالا بردن سطح دانش و آگاهی همه در رابطه با هویت های جنسی و رفتار جنسی سالم کمک کنیم.

● با ترویج فرهنگ صداقت، حمایت و یکپارچگی به ایجاد جریان سراسری ایران آزاد و برابر پیوندیم.







سخن سردبیر

برای رسیدن به هدف،  
تنها خواستن آن کافی نیست  
باید برای آن تلاش کنی



محافظة کاری، دورن گرای، گوشه گیری و تنهایی واژه هایی آشنا برای ما همجنسگرایان هستند. هیچ یک از ما از این که گرایش جنسی خود را برای اطرافیان بازگو کنیم لذت نبرده ایم. همیشه از عکس العمل های دیگران نسبت به گرایش خود ترس داشته ایم و همیشه از نگاه های پر از سوال و تعجب مردم گریزان بوده ایم. مطمئن هستیم که یکی از آرزوهای بزرگ همه ی ما همجنسگرایان مشترک است: زندگی با معشوق در یک گوشه از این دنیا، بدون مزاحم، بدون ترس، بدون نگاه سرزنش گر.

ما همجنسگرایان هر روز شاهد وقوع فجایعی علیه هم احساساتمان هستیم، حتی برای خود ما هم گاهی پیش می آید که به خاطر همجنسگرا بودنمان متحمل نا ملایماتی از طرف اطرافیانمان می شویم. تمام این بی رحمی و بی عدالتی ها ما همجنسگرایان را تبدیل به انسانهای صلح طلبی کرده است.

چطور ممکن است همجنسگرایی که به خاطر عاشق یک همجنس شدن، از حق زندگی کردن محروم می شود برای حقوق انسانها ارزش قائل نشود؟ همجنسگرایان

بیشتر از هر انسانی طعم گناهکار شناخته شدن به خاطر یک نعمت خدادادی را چشیده اند، پس خود باید جزو پیشگامان حقوق برابر برای همه ی انسانها باشند. مگر نه این که همه ی ما انسانها از یک سرشت هستیم، همه ی ما یک خدا داریم و همه ی ما در آخر به سرشت اولیه ی خود باز می گردیم. پس چرا باز هم بین ما و دیگران فرق گذاشته می شود. چرا ما باید برای گرفتن حق زندگی بجنگیم در حالی که این حق مسلم همه ی انسانهاست.

این چراها و هزاران چرای دیگر همیشه موضوع اصلی مباحث مربوط به همجنسگرایان بوده. فعالان جنبش های همجنسگرایان هم همواره هدف اصلی خود را روی حقوق برابر همجنسگرایان متمرکز کرده اند، نه حقوقی بیشتر از بقیه ی انسان ها. ما همجنسگرایان هیچ گاه خود را برتر از دیگران ندانسته ایم و هیچ گاه برای گرفتن حق خود وارد خشونت و یا اعمال زور نشده ایم و این روح صلح طلب ما را نشان می دهد.

داشتن حق ازدواج، یکی از مباحث مورد توجه جنبش های همجنسگرایان کشورهای اروپایی است. اما در ایران که



همجنسگرایی هنوز به رسمیت شناخته نشده، فعلا بزرگترین هدف ما جمع کردن هم احساساتمان به دور هم و معطوف کردن توجه حکومت به حضور تعداد زیادی همجنسگرا در کشور است. این حق ما همجنسگرایان است که برای خود یک مجله داشته باشیم تا در آن بتوانیم به راحتی به طرح مسائل و مشکلات خود بپردازیم، با هم احساساتمان آشنا شویم، از خبرهای روز همجنسگرایان آشنا شویم. در کل از سرکوب کردن احساساتمان دست برداریم، خود را باور کنیم و با حقوق خود آشنا شویم.

مجله‌ی پسران تا امروز که نزدیک به یک سال از انتشار آن گذشته موفقیت‌های زیادی را در این زمینه کسب کرده و توانسته است توجه جامعه‌ی همجنسگرایان دنیا را به خود جلب کند. تعداد زیادی از همجنسگرایان داخل و خارج از کشور مشترک مجله هستند و هر ماه مجله را دریافت و مطالعه می‌کنند. مجله پسران برای همجنسگرایان این موقعیت را فراهم می‌کند تا حرفهایی که همیشه از بیان آنها ناتوان بودند را با هم احساساتشان در میان بگذارند.

اما واقعا چند درصد از همجنسگرایان از این موقعیت استفاده می‌کنند؟ چند درصد از همجنسگرایان مایلند برای گرفتن حقوق خود قدمی بردارند؟

همه‌ی ما اعتقاد داریم که مهم‌ترین لازمه‌ی رسیدن به هدف اتحاد بین ماست. همه می‌دانیم که با تعداد اندک هرگز به رسمیت شناخته نمی‌شویم و علاوه بر آن می‌دانیم که با دست روی دست گذاشتن هیچ وقت موفق نخواهیم شد. همه‌ی ما آروز می‌کنیم که "ای کاش مردم من را گناهکار نمی‌دانستند"، "ای کاش من هم مثل همه می‌توانستم بدون ترس از رسوایی زندگی کنم".... قابل ذکر است که تا امروز تعدادی از دوستان هم بوده‌اند که مجله را مورد لطف قرار داده و مطالبشان را برای ما ارسال کرده‌اند. اما متأسفانه لژیون‌ها در این میان نقش بسیار اندکی داشته‌اند. تا به حال بارها و بارها گفته ایم که مجله پسران متعلق به من و شما و همه‌ی اقلیت‌های جنسی چه زن و چه مرد است پس چرا نباید از این امکان به وجود آمده استفاده کنیم و در کنار دوستان‌گی خود برای آزادی همجنسگرایان تلاش



کنیم. چرا همیشه فکر می کنیم که باید بنشینیم تا بقیه مشکلات ما را حل کنند. چرا نباید خود دست به کار حل مشکلات خود شویم.

بعضی از خوانندگان مجله از راههای ارتباطی گی ها می پرسند و این که چطور می شود گی ها با هم بیشتر در ارتباط باشند و بیشتر با هم آشنا شوند.

متأسفانه همان طور که می دانید به دلیل ترس همجنسگرایان از حکومت امکان آشنایی آنها در مکانهایی مثل پاتوق های خاص گی ها نیست. شاید واقعا پاتوق خاصی هم وجود نداشته باشد. اینترنت شاید بهترین راه ارتباط بین ما همجنسگرایان نباشد ولی حداقل تا حدودی امن ترین مکان برای آشنایی است.

فرض می کنیم که در میان همه ی این آدمها کسی را پیدا کردیم و مدتی در اینترنت با هم در ارتباط بودیم و بعد قرار گذاشتیم تا همدیگر را ببینیم. همدیگر را دیدیم و نپسندیدیم! آن وقت چه می شود؟ دوستی ما از بین می رود و هر دو به سمت سرنوشت دیگری می رویم؟ پس تکلیف آزادی چه

می شود؟ تکلیف اتحاد گی ها، جنبش همجنسگرایان، حقوق مساوی و... چه می شود؟ قبول کنید که خود ما گی ها هیچ وقت برای بهتر شدن وضعیتمان تلاش نکرده ایم. همیشه از وضع بد گروه های تلگرامی گله داشته ایم، همیشه گفته ایم که نمی شود با یک گی واقعی آشنا شد، چون گی ها خود را پشت نقابی از ترس پنهان کرده اند و از این که وارد جمع های هم احساساتشان شوند واهمه دارند. حتی اگر خیلی خوش شانس باشیم و توانسته باشیم برای خود دوستانی دست و پا کنیم و دور همی هایی داشته باشیم تا به حال چند بار در مورد آزادی خود بحث کرده ایم، چند بار دوستان خود را دعوت به همکاری برای وحدت بین همجنسگرایان کرده ایم. حتی اگر باز هم فرض کنیم که تمام این صحبت ها هم انجام شده، چند نفر از دوستانمان به درخواست های ما پاسخ مثبت داده اند، چند نفر به فکر فرو رفته اند و چند نفر فقط به حرفهای ما گوش داده اند.

شاید بگویید که هیچ وقت امکان این که دوستان گی پیدا کنید را نداشته اید، وارد گروه های تلگرامی دوستیابی نشده اید و از این که در





اینترنت دنبال دوست بگردید  
دل خوشی ندارید. اما مطمئناً  
نمی‌توانید بگویید تا بحال در  
کوچه و خیابان گی ندیده‌اید.  
نمی‌توانید بگویید در جایی که  
من زندگی می‌کنم، جایی که  
من درس می‌خوانم و یا جایی  
که من کار می‌کنم گی وجود  
ندارد. گفتن این حرف مثل آن  
است که بگوییم در اطراف من  
کسی که چپ دست باشد  
وجود ندارد.

پس بهتر است بگوییم ما  
هیچوقت دنبال هم  
احساساتمان نگشته‌ایم، ما  
هیچ وقت به دنبال به وجود  
آوردن جمعی از گی‌ها برای  
دفاع از حقوق خود نبوده‌ایم،  
ما هیچ وقت اقدامی برای  
برداشتن نقاب خود برای  
اطرافیانمان نکرده‌ایم. من و  
شما حرفهای زیادی برای گفتن  
داریم، حرفهایی که باید زده  
شوند، باید بیان شوند تا  
شنیده شوند.

**هیچ وقت برای رسیدن  
به هدف دیر نیست.**

به امید روزهای رنگین کمانی  
سردبیر مجله پسران  
اسفند ۱۳۹۶



اینستاگرام مجله پسران را فالوو کنید:  
[instagram.com/Pesaran.Magazine](https://www.instagram.com/Pesaran.Magazine)











گشتگو با سیدما،

دو جنسگرای ایرانی



## خودت را چطور معرفی می کنی؟

اسم من سیما است. ۲۸ ساله، دوجنسگرا و ساکن کانادا هستم

## از چه زمانی به گرایش خود پی بردی و چه احساسی نسبت به آن داشتی؟

راستش به شکل تعریف شده از ۱۸ سالگی، بعد از دو رابطه ی اول زندگی که یکی با یک دختر بود و یکی با یک پسر. قبل از آن احساس می کردم که بیشتر به زنان گرایش دارم و روابط عاطفی ام با آنان طبیعی تر و آسان تر به نظر می رسید.

## زندگی یک دوجنسگرا را چطور می توانی تعریف کنی؟

برایم سخت است که زندگی یک دو جنسگرای نوعی را تعریف کنم اما می توانم دوجنسگرایی خودم را تعریف کنم. تا چند سال پیش تعریفم این بود: برای من جنسیت یک فرد معیار جذابیت جنسی اش نیست. یعنی در برخورد با هر فرد ذهن من بدون در نظرگرفتن جنسیت او بر اساس بقیه ی خصوصیات فردی اش به او جذب می شود یا نمی شود. مثل اینکه کسی بگوید

برای من اینکه همسرم پوست سفید داشته باشد یا سبزه باشد مهم نیست اما می خواهم انسان خوبی باشد.

البته این تعریف با کنکاش های جدیدم کمی مغایر است و تازگی ها که بیشتر در کنه احساسات جنسی ام جستجو می کنم به این نتیجه می رسم که شاید در یک جامعه ی ایده آل و بی ترجیح، من هویت همجنسگرا داشتم.

## آیا به دلیل گرایش جنسی مشکلی در دوران تحصیل در ایران داشتید؟

نه، و از آنجایی که خیلی زود ازدواج کردم کسی به گرایش جنسی من کنجکاوی خاصی نشان نداد!

## برخورد جامعه ی ایرانی با شما به عنوان یک دوجنسگرا چگونه است و چه مشکلاتی دارید؟

عده ای از دوستان و اطرافیانم که از آن آگاهند به نوعی آن را پذیرفته اند و من گمان نمی کنم در برخوردشان تفاوتی ایجاد شده باشد.

## آیا نحوه ی آشکارسازی برای دوستانت را در پذیرش آنها مؤثر



## می دانی؟ چطور برای آنها آشکار سازی کردی؟

همه ی دوستان من، چه در گذشته و چه امروز با توجه به بعضی برخوردها و حرف هایم می توانستند و می توانند حس کنند که من کاملاً دگرجنسگرا نیستم. اولین باری که عده ای از دوستانم را به دوست دخترم معرفی کردم برخوردهایشان خیلی متنوع بود. کسانی از جزییات رابطه جنسی مان پرسیدند و دیگران فرض کردند که این دیوانگی از سرم خواهد افتاد و در نتیجه کاملاً این قضیه را نادیده گرفتند. بسیاری از دوستانم سؤال های دقیقی پرسیدند و تقریباً همه شان بعد از مدتی گرایش جنسی مرا پذیرفتند. فکر می کنم راحتی و اعتماد به نفسم نقش مهمی در خوب پیش رفتن آشکار سازیم داشت. امروز تا زمانی که مستقیماً درباره ی گرایش جنسی ام سؤال نکنند، درباره ی آن به شکل مستقیم حرف نمی زنم.

به نظر شما دوجنسگرا بودن یعنی بی بند و باری حسی و جنسی؟ این تصور عمومی است که یک دوجنسگرا مشکلی ندارد چون با هر دو جنس می تواند ارتباط برقرار کند، بنابراین

خوش بخت است و از معضلاتی که همجنسگرایان و دگر جنس گونگان روبرویند، سهمی نبرده است؛ و یا اینکه یک دوجنسگرا میان دو گرایش سرگردان است و باید تکلیفش را روشن کند.

دوجنسگرا بودن به خودی خود بی بند و باری جنسی نیست. یک دوجنسگرا به نظر من از این دیدگاه که برای انتخاب جفت کاندیدای بیشتری دارد شاید به نوعی خوشبخت باشد اما به نظر من دوجنسگرایان در مواردی حتی بیشتر از همجنسگرایان مورد تبعیض قرار می گیرند. چند سال پیش مادرم به دیدنم آمده بود. من که به تازگی رابطه ام را با دوست دختر آن زمانم ترک کرده بودم برای مادرم از احساساتم تعریف می کردم. چند ماه بعد با یک مرد آشنا شدم و برای مامانم تعریف کردم و او به شدت تعجب کرد و گفت که چطور در این مدت کوتاه گرایش جنسی ام تغییر کرده است. یک دوجنس گرا به نظر من خوب دوسر گهی است، از طرفی در اجتماع دگرجنسگراها عجیب و همجنسگرا محسوب می شود و از طرفی در جمع همجنسگراها هم رنگ جماعت و دگرجنسگرا.



در جواب آخرین سؤال، تا آنجا که من می دانم عده ای از دو جنسگراها میان دو گرایش سرگردانند اما نه همه ی آنها. من به عنوان یکی از این نیمه سرگردانان، هر چه بیشتر به احساسات گذشته ام رجوع می کنم می بینم که در کودکی و نوجوانی بیشتر به زنان گرایش داشتم، این ممکن است به نوعی به خاطر تماس بیشترم با آنها بوده باشد. اما به مرور و در طی سال های جوانی ام بیشتر با مردان محشور بودم و به نوعی به ذهنیت و رفتارهایشان آشنا تر شده ام و رابطه داشتن با آنها یک سلسله رفتار عادی و ساده شده است. در نتیجه با آنها روابط دوستانه، کاری و جنسی ام بسیار سهل و روان است و دقیقاً برعکس، روابط م با زنان از هیجان، اضطراب و گرایش جنسی لبریز است و جهان ناشناخته ای ایست که بسیار جذاب به نظر می رسد اما انرژی و وقت بسیار می طلبد.

**در خودت سیال بودن جنسیت را تجربه کرده ای؟ یعنی نزدیک شدن به هویت زنانه و پس از آن به هویت مردانه ی جنسیتی در دوره های مختلف؟ یا، درک این دو جنسیت در وجود خودت، پیش از آن که به**

## **تمایل به شخصی با هر یک از جنسیت ها پیدا کنی؟**

بله بارها. شاید حتی در هفته چند بار. به یاد نمی آورم که خودم را مرد تصور کرده باشم ولی برخوردهایم، لباس پوشیدنم و حرف زدنم به طور دائمی بین زنانگی و مردانگی نوسان می کند. گاهی حس می کنم من به غایت زنانه و به غایت مردانه ام و هرگز نتوانسته ام خودم را در یکی از این دو فاز برای مدتی نگه دارم.

## **ارتباطات جنسی شما از چه زمانی شروع شد و اولین شریک جنسی شما مرد بود یا زن؟**

اولین شریک جنسی من یکی از همکلاسی هایم در سال های پایان دبیرستان بود، یک زن.

## **چطور می توانی هیجان همجنسگرایی خود را با روابط دوستانه و سهل و روان خود با جنس مخالف را در کنار هم نگه داری و آیا تعادلی در رفتارهای تو وجود دارد؟ چطور با این مورد برخورد کردی؟**

معتقدم که در همه ابعاد شخصیتی ام جمع اضداد هستم و این هم شاید بخشی از شخصیت ام باشد. زندگی



ایده آل برایم در وجود روابط عاطفی و جنسی با هر دو جنس معنی پیدا می کند. تا امروز البته نتوانسته ام به این زندگی ایده آل نزدیک شوم. تا امروز در زندگی جنسی ام به شکل های بسیار متفاوتی با این تناقض روبه رو شده ام. زمان هایی فقط به دوستی و روابط عادی با جنس مخالف شریک جنسی ام بسنده کرده ام و زمان هایی هم در فواصل کوتاه با هر دو جنس رابطه ی جنسی داشته ام. راستش بیشتر از هر چیز امروز دنبال ثبات هستم و راه میانه ای که هم نیازهای مرا رفع کند و هم آزاری به اطرافیان ام نرساند.

**چطور شد که تصمیم گرفتید ازدواج کنید، و آیا همسر شما از گرایش جنسی شما با خبر است؟**

همسرم به نظر انسان خوبی می آمد، هر دو مان مستقلاً به این نتیجه رسیده بودیم که زندگی مشترک باید یک همراهی گروهی باشد پر از تبادل نظر و نباید از آن انتظار داشت که همیشه صد در صد عالی باشد. با هم بسیار حرف زدیم و این ساختار ذهنی مان را با هم تطبیق دادیم و تصمیم گرفتیم با هم شروع کنیم. هر

روز همچنان به نظر بهتر از قبل می رسد. همسرم از گرایش جنسی من مطلع است و آنرا پذیرفته است.

**برخی بر این باورند که یک دوجنسگرا زندگی و ارتباطات خود را میان دو جنس انتخاب می کند یعنی هم می تواند زندگی همجنسگرایانه داشته باشد و هم زندگی دگرجنسگرایانه، یا زندگی مخصوص دوجنسگرایان. نظر تو در این مورد چیست؟**

کاملاً مطمئنم که نمی توانم انتخاب کنم. دو جنسگرایی من پدیده ی قابل تغییری نیست. من مثل اکثر همجنسگراها و دگرجنسگراها وقتی در رابطه ی شاد و ارضا کننده ای هستم نیاز و گرایش بسیار کمی به شریک جنسی دیگری دارم. اما شاید از جهت دیگری با آنها متفاوت باشم و گاه گاهی یک رابطه ی نزدیکتر با جنس غیر از جنسیت پارتنرم را دوست داشته باشم. من هم مثل بیشتر آدم های منطقی و معقول بیشتر اوقات این گرایش آنی را کنترل می کنم و به آن جهت می دهم. بگذار یک مثال بزنم. مثلاً فرض کن اگر یک مرد دگرجنسگرای معمولی که در یک رابطه ی



خوب و متعهد است با دیدن یک زن زیبا تمایل جنسی پیدا کند و از نظر جنسی تحریک شود، معمولاً قصد آمیختن با آن خانم را نمی کند بلکه از راه های دیگری از جمله ساختن فانتزی، خودارضایی یا حتی یک برخورد غیر جنسی با آن خانم (مثل حرف زدن) این تمایل را تا حدی ارضا می کند. من فکر می کنم کمتر کسی باشد که فقط در رابطه ی اولیه اش تمایل جنسی داشته باشد و خارج از آن هرگز هیچ احساس تمایلی نکند. من هم همینطورم با این تفاوت که وقتی با یک مرد رابطه دارم بیشتر به زنان تمایلات آنی پیدا می کنم و برعکس.

**آیا همسر شما هم دو جنسگراست؟ اگر همسر شما ارتباط جنسی با پسری داشته باشد چه عکس العملی خواهی داشت؟**

خیر. اگر همسرم با هر انسان بالغ دیگری با توافق طرفین ارتباط جنسی داشته باشد سعی خواهم کرد که او را درک کنم. همانطور که در سؤال قبلی نوشتم به نظرم این تمایلات آنی طبیعی هستند و گاهی حتی نیازمندیم که آنرا به شکل جنسی رفع کنیم. اگر با یک

مرد هم رابطه داشته باشد سعی خواهم کرد که با او با راحتی گفتگو کنم و مسلماً این قضیه درک او را از دوجنسگرایی بهبود خواهد داد. نمی توانم انکار کنم که بسیار خوشحال خواهم شد.

**آیا خانواده ی شما گرایش جنسی تان را پذیرفته اند؟**

با مادرم خیلی حرف زده ام و او مسلماً می داند اما فکر می کنم که در عمق فکرش امیدوار باشد که تا به حال شفا پیدا کرده باشم!!!

**مطمئناً زمانی بوده که در دو راهی انتخاب قرار گرفته اید که همجنسگرا هستید یا دگرجنسگرا. در آن زمان چه کردید و چه نتیجه ای گرفتید؟**

بارها و بارها در این دو راهی قرار گرفته ام. شاید امروز قبول کرده ام که راهی در کار نیست که دو راهی در کار باشد و زندگی این مزرعه بزرگ است که از بی نهایت تا بی نهایت وسعت دارد و من میان این میلیاردها آدم و تریلیاردها موجود زنده در مسیری می روم و این مسیر منحصر به من است.

دفعه ی اولی که به این



## چرا احساس گناه داشتی و حس می کردی که زندگی معشوقه ات را تباه می کنی؟

فکر می کردم که در طبیعت زن و مرد آفریده شده اند و مسیر درست، یک رابطه ی دگر جنسگرا ست. فکر می کردم که اگر اطرافیان معشوقه ام بفهمند چقدر او را که دختر حساسی بود آزار خواهند داد و چه بسا که از یک زندگی عادی محروم شود. آن زمان بسیار به صداقت حتی در حد افراطی اعتقاد داشتم و می دانستم که از عهده ی دروغ گفتن بر نخواهم آمد. کم کم اشاره هایی می کردم و عکس العمل اطرافیان را می دیدم. متوجه شدم که راه خطرناکی به نظر می رسد. راستش به نظرم آن واقعه ی دراماتیک بچه گانه یک عکس العمل آبی بود به تضادی که رابطه مان با همه ی ارزش ها و قالب های ایرانی داشت. هر چه در ذهن ام می گشتم هیچ قصه ای که شخصیت هایش لذیذ باشند نمی یافتم. در همه ی الگوهای زندگی خوشبخت که سراغ داشتم حتی یک نمونه ی همجنسگرایی نبود. منبع اطلاعی هم نداشتم. اینترنت هنوز آنقدرها باب نبود و محیط خانواده مان هم نسبتا بسته.

موضوع فکر کردم وقتی بود که رابطه ام با اولین دوست دخترم به ثبات رسید. وقتی هیجان های اولیه ی اولین رابطه فرو نشست و فکر یک رابطه ی دائمی و اجتماعی در ذهنم شکل گرفت ترسیدم. با آرمانگرایی ۱۸ سالگی فکر می کردم که زندگی معشوقه ام را تباه خواهم کرد و باید به هر قیمتی شده او را از زندگی شرم آور و پر دردسری که براساس تمام شنیده ها و دیده های ۱۸ ساله ام تصور می کردم نجات دهم. بنابر این در یک حرکت بسیار رمانتیک و دراماتیک رابطه مان را ترک کردم. از نبودش و از فرط احساس گناه پناه بردم به انکار و در این انکار و سرکوب گرایش ام ازدواج کردم و تصمیم گرفتم که یک دختر خوب- زن خوب (از دید جامعه ی ایرانی) باشم و بودم. متأسفانه روابط مان (حسی و عاطفی) با همسر سابقم به دلایل متفاوتی به سردی گرایید و از هم جدا شدیم. بعد از جدایی به دلایل ازدواج، جدایی، و تأثیری که جامعه در شکل دادن هویت فردی ام داشت، فکر کردم و و آنرا دوباره پازبینی کردم. از آن زمان تقریباً همواره به گرایش جنسی ام فکر کرده ام و در بالا بیشتر راجع به تلقی امروز از آن نوشتم.



## بپذیرند و چه باید کرد؟

به نظر من دلیل همه کنش های این جهان جهل است. آدم هایی که جهل شان را درباره ی اطرافشان کم کنند همیشه پذیراتر و پر انعطاف ترند. مانی راست می گوید که زمان آن است که ما حرف بزنیم و به آنها فرصت بدهیم که بدانند.

## در شرایط امروز جامعه دگرباش چطور می تواند در از بین بردن این جهل تلاش کند؟

بگذار اول یک مثال بزنم که در فهمیدن این مسیر کمک مان کند. فرض کن که کسی در یک روستای کوچک به دنیا بیاید و زندگی کند. روستایی که کاملاً دور افتاده است. مردم روستا به زبانی حرف می زنند. گیاهان خاصی را دیده اند. غذا و فرهنگ خودشان را دارند. این فرد با آمارگیری طبیعی که از کودکی به شکل خود به خود در مغزش انجام می شود به این نتیجه می رسد که جهان همان شکلی است که روستای اوست. اگر این آدم با هیچ منبع خارجی برخورد نکند همیشه بر این باور خواهد ماند حال آنکه دنیا شاید خیلی با روستای او متفاوت باشد و این آمار ذهنی به دلیل کم بودن نمونه ی

حتی با معشوقه ام هم آزادانه حرف نمی زدیم و این شدیداً مرا می ترساند. حس می کردم من او را به سمتی هل داده ام که هیچ درباره اش نمی داند. البته بعدها به این نتیجه رسیدم که باید با او حرف می زدم و اجازه می دادم که او مسئولیت انتخاب اش را به عهده بگیرد. بچگی بود و حماقت!

دوجنسگرایی خود را در ارتباط با کسانی که به آن ها علاقمند می شدی کشف کردی، یا در ارتباط با خصوصیات شخصی خودت؟

نوسانی که در یک دوجنسگرا از غلتیدن به جنسیت مرد و جنسیت زن در مقاطع مختلف و در ارتباط با دیگران (پارتنرهای مختلف) دیده می شود را چگونه تجربه کردی، چطور تعریف می کنی؟

گرایش ام را بیشتر در ارتباط با آدم ها کشف کردم. این نوسان برای من مثل نوسان از یک پارتنر سفید به پارتنر سبزه است، به همین سادگی.

به نظر شما چرا خانواده ها به راحتی نمی توانند گرایش های جنسی غیر از دگرجنسگرایی را





صرفاً غیر قابل اعتماد باشد. حالا فرض کن که یک غریبه به این روستا بیاید که چهره اش، شکل لباس اش و فرهنگ اش متفاوت باشد. مردم روستا چون از نوع او ندیده اند نمی توانند شباهت او را با خودشان درک کنند. حالا فرض کن که یک پنجره به دنیا در این روستا باز شود؛ بعد از مدتی مردم قادر خواهند شد که دیگران را با خودشان مقایسه کنند. دانش به طور کلی به انسان ها کمک می کند که آمار واقعی تری در ذهنشان به وجود بیاورند و این پدیده به شکل ناخود آگاه انسان را پذیراتر می کند.

ما به عنوان دگرباشان ایرانی باید خودمان را نشان بدهیم. باید در معرض دید دگرچنسگراها قرار بگیریم و حرف مان را بزنیم. صبور باشیم و امیدوار که در طول زمان نسل نویی خواهد آمد که بیشتر دیده است، بیشتر شنیده است و بیشتر خوانده است و در نتیجه بازتر فکر می کند. ما به عنوان دگرباشان ایرانی خارج از ایران باید کمک کنیم که پنجره ای در روستای کوچک ما باز شود و مردم ما فرصت پیدا کنند که درباره ی نوع های دیگر زندگی بدانند.



به ایرانیان داخل ایران هم همین توصیه را می‌کنی؟ با توجه به شرایط داخل ایران باید در نظر گرفت که آشکارسازی در داخل یک مسأله‌ی شخصی و یا نهایتاً مربوط به حلقه‌ی آشنایان فرد نیست، دولت هم در پیامدهای آشکارسازی حق دخالت به خود داده است. یا می‌شود گفت که آشکارسازی در داخل بیشتر به ریسک‌های فردی که ضامن درصدی از موفقیت است می‌ماند و نه روشی که هر فرد با موقعیتی به آن دست بزند.

فکر می‌کنم که منظورم را آن‌طور که باید در جواب سوال قبلی نرساندم. من به هیچ وجه به همجنسگرایان و دوجنسگرایان داخل ایران و خارج ایران توصیه نمی‌کنم که بی‌بررسی دقیق شرایط اقدام به آشکار سازی کنند. منظور من از اینکه خودمان را نشان بدهیم این است که حرکتی کنیم مثل منتشر کردن همین چراغ. این روزها به نظرم زندگی بسیار ارزشمند است و هر چیزی که آن را به خطر بیندازد به هیچ وجه ارزشش را ندارد. من متأسفانه یا خوشبختانه انسان بسیار محافظه‌کاری بوده‌ام و هستم و شاید همین مرا از بسیاری از دردهای بالقوه‌ی

زندگی ام نجات داده است. امروز فکر می‌کنم که باید راهی میانه پیدا کرد.

**چند سال است از ایران خارج شده‌ای؟ زندگی کردن در خارج از محدوده‌ی فرهنگی و سیاسی ایران چقدر در تحلیل تو از هویت و گرایش خودت و ارتباط آشتی جوی تو با محیط پیرامون، تأثیر داشته است؟**

حدود ۶ سال پیش از ایران خارج شدم. دور بودن از ایران امکان فکر کردن و بررسی فراوان دور از فشارهای بیهوده و ناچار ایران را برایم فراهم کرد و نقش بسیار بزرگی در هویت امروزم دارد. زندگی بیرون از ایران مرا از فشار خوب بودن دایمی رها کرد و به من فرصت داد که آن‌طور که هستم باشم و شاید امروز دیگر نمی‌توانم زیر نقاب زندگی کنم.

گرایش جنسی ام را هر روز بهتر کشف می‌کنم. حتی نوشتن همین مصاحبه مرا قدمی به دانستن اش نزدیک تر کرد.

**جامعه‌ی ایرانی خارج از کشور را با جامعه‌ی داخلی ایران چطور مقایسه می‌کنید و آیا زندگی در خارج از کشور در نگرش آنها به مسائل جنسی و گوناگونی**



## آن داشته است؟

ایرانی های خارج از ایران بسیار متنوع اند و تفاوت دیدگاه امروزشان با دیدگاه گذشته شان می تواند هم هیچ باشد و هم از زمین تا آسمان. ایرانی های همجنسگرای آشکار دیده ام و ایرانی های دگرجنسگرای همجنسگرا ستیز! ایرانی هایی دیده ام که معتقدند نباید اجازه داد همجنسگراها بچه داشته باشند و کسانی که فکر می کردند با یک سری قرص هورمون می شود همجنسگرایی را دوا کرد!

**روز جهانی مقابله با همجنسگراستیزی یا هوموفوبیا در پیش است. اگر از تو بخواهند که برای رفع هوموفوبیا با یک قشر از جامعه سخن بگو، کدام قشر را انتخاب می کنی و چه می گویی؟**

من نوجوان ها را انتخاب می کنم و بهشان می گویم که بچه ها دنیا پر از آدم های متفاوت است. هر آدمی به شکلی شبیه گروهی است و به شکل دیگری شبیه گروه دیگری. خودتان را پیدا کنید و به آنچه هستید احترام بگذارید و خودتان را به قالب های تعیین شده ای که می

شناسید محدود نکنید. همدیگر را دوست داشته باشید و اجازه ندهید تفاوت ها جلوی شباهت ها را بگیرد. عشق بورزید و تا می توانید عشق بورزید.


۱۷ ساله بودم که با یکی از دوستانم در یک مسابقه ی عملی شرکت کرده بودیم. وقتی از سالن بیرون آمدیم مراقب جلسه که مرد مسنی بود بی هیچ مقدمه ای به ما گفت که "بچه ها هرگز خودکشی نکنید. در بهار عاشق ها دست در دست هم جفت جفت روی تپه های سبز قدم خواهند زد و چه حیف خواهد بود که شما در دل خاک مرده باشید."

زندگی گاهی خیلی سخت می شود اما تحمل این سختی به تجربه کردن فردا می ارزد!

دوستان عزیز رنگین کمانی اگر شما هم علاقه مند هستید در رابطه با هویت جنسی خودتان با مجله پسران گفتگو داشته باشید برای ما ایمیل ارسال کنید، در صورت درخواست شما هویت شما محفوظ خواهد ماند:

[info@pesaranmag.com](mailto:info@pesaranmag.com)





جزنو  
دگری نجویم و کو دگری



# معرفی ده حیوان که همجنسگرایی بین آنها رواج دارد

همجنسگرایی در میان حیوانات هم وجود دارد و بسیار گسترده است. تحقیقات نشان می‌دهد همجنسگرایی میان بیش از ۱۵۰۰ گونه از حیوانات وجود دارد. در ادامه با ۱۰ حیوان که همجنسگرایی بین آنها رواج دارد آشنا می‌شوید.







### زرافه‌ها

هم‌جنس‌گرایی در میان زرافه‌ها امری عادی است. رفتارهای هم‌جنس‌گرایانه بیشتر بین زرافه‌های نر یافت می‌شود. دو زرافه نر ابتدا به نوازش گردن هم می‌پردازند. عشق‌بازی میان آنها ممکن است تا یک ساعت طول بکشد و در نهایت به آمیزش جنسی بیانجامد.





## دلفین‌ها

هم‌جنس‌گرایی هم میان دلفین‌های نر و هم میان دلفین‌های ماده شایع است. این رابطه از جمله شامل رابطه جنسی دهانی است که طی آن یک دلفین با پوزه خود دلفین دیگر را تحریک می‌کند.





## شیرها

همجنس‌گرایی در میان شیرها،  
"سلطان جنگل" نیز وجود دارد.  
اگر در اینترنت جستجو کنید  
تصاویری از همجنس‌گرایی شیر  
های نر مشاهده خواهید کرد.



## گاو میش‌های امریکایی

همجنس‌گرایی بین گاو میش‌های امریکایی به خصوص میان نرها امری رایج است. رابطه جنسی بین گاو میش‌های امریکایی معمولا با دخول کامل صورت می‌گیرد.







## ماکاک‌ها

ماکاک‌ها از زیرخانواده دم درازیان هستند. بسیار مشاهده شده که میمون‌های ماکاک ماده با وجود آن‌که نرها را در کنار خود دارند با ماده‌های دیگر رابطه جنسی برقرار می‌کنند.





## آلباتروس

“آلباتروس لیسان” پرنده‌ای از راسته کبوتردریایی‌سانان است. در جزیره “اوآهو” یکی از جزایر هشت‌گانه ایالت هاوایی آمریکا، ۳۰ درصد از کل زوج‌های “آلباتروس لیسان” لزیبن هستند. زوج‌های لزیبن “آلباتروس لیسان” تخم خود را با مشارکت نرهای دیگر بارور می‌کنند، سپس دو ماده در کنار هم با مراقبت از تخم‌ها آن را به جوجه تبدیل می‌کنند.





## شامپانزه

بونوبو یا شامپانزه کوتوله از نزدیک‌ترین خویشاوندان انسان است. دوجنسگرایی بین اغلب بونوبوها وجود دارد. هم جنسگرایی به آنها کمک می‌کند مناقشات بین خود را رفع کنند و از تنش‌های موجود بین شان بکاهند.



## قوها

قوها حیواناتی تک‌همسر هستند. همجنس‌گرایی بین قوها رایج است و قوهای همجنس‌گرا هم‌چون دیگر قوها معمولاً رابطه‌ای پایدار و طولانی مدت دارند.





## گراز دریایی

گراز دریایی معمولا در چهار سالگی به بلوغ می‌رسد. پس از بلوغ بسیاری از گرازهای دریایی دوجنس‌گرا هستند. در فصل تولید مثل، گرازهای دریایی نر با ماده‌ها هستند و بقیه فصول با هم‌جنسان خود رابطه جنسی دارند.







## گوسفندان

در یک تحقیق حدود ۸ درصد گوسفندان نر با وجود آن‌که گوسفندان ماده در کنارشان بوده است، رفتارهای هم جنسگرایانه از خود بروز داده‌اند.





ما به هم محتاجیم؛ مثل دیوونه به خواب  
مثل گندم به زمین، مثل شوره زار به آب





# سلامت مردان همجنسگرا



مردانی که مبتلا به اچ‌آی‌وی هستند حتی بیشتر از این رقم در معرض سرطان‌های مقعدی هستند تا افراد غیر آلوده.

### بیماری‌های مقاربتی چگونه گسترش می‌یابند؟

سوزاک و کلامیدیا از طریق ترشحات تناسلی در زمان رابطه ی جنسی منتقل می‌شوند، مانند ترشحات پیشابراه از آلت تناسلی مردان.

بیماری هرپس تناسلی و سفلیس در درجه‌ی اول از طریق تماس پوست با زخم پوست آلوده که به نظر طبیعی می‌رسد، منتقل می‌شوند.

اچ‌پی‌وی، از طریق تماس با پوست آلوده‌ی آلت تناسلی یا تماس با سطوح و ترشحات مخاطی مانند مقعد و آلت تناسلی، منتقل می‌شود.

### نشانه‌ها و علائم بیماری‌های مقاربتی چیست؟

برخی از انواع بیماری‌های مقاربتی علائمی از خود نشان نمی‌دهند در حالی که برخی دیگر علائم مختلفی دارند. از قبیل:

بیماری‌هایی که از راه جنسی منتقل می‌شوند (STDs)، در میان مردان دوجنسگرا و همجنسگرا افزایش یافته است. اخیراً موارد فزاینده‌ای در مورد بیماری سفلیس در سراسر کشور، گزارش شده است. در سال ۲۰۰۸، در ایالات متحده، مردانی که با همجنس خودشان رابطه‌ی جنسی داشتند (MSM)، شصت و سه درصد بیماری‌های سفلیس اولیه و ثانویه را به خود اختصاص دادند. در این مردان، اغلب بیماری‌های باکتریایی منتقله جنسی دیگری از قبیل عفونت‌های کلامیدیا و سوزاک نیز دیده شده است. مردان همجنسگرا و دوجنسگرا در معرض آلوده شدن به ویروس پاپیلوما‌ی انسانی (HPV) - مرسوم‌ترین بیماری مقاربتی در ایالات متحده، نیز هستند. بعضی از گونه‌های اچ‌پی‌وی باعث ایجاد زگیل در ناحیه تناسلی و مقعد و برخی دیگر می‌توانند منجر به گسترش سرطان مقعد و دهان و دندان شوند. مردانی که با مردان دیگر رابطه جنسی برقرار می‌کنند یا به اختصار ام‌اس‌ام‌ها، نسبت به مردان دوجنسگرا، ۱۷ مرتبه بیشتر در معرض ابتلا به سرطان‌های مقعدی هستند. همچنین



■ ترشح از آلت تناسلی

■ درد، سوزش و یا خارش درون آلت تناسلی هنگام ادرار کردن

■ خارش مقعد، درد و خونریزی یا برون‌ریزی ترشح

■ زخم منفرد یا چند زخم روی آلت تناسلی

■ خارش کف دست یا پا

■ تاول‌های دردناک اطراف آلت تناسلی یا مقعد

■ زگیل در ناحیه‌ی تناسلی، از جمله آلت تناسلی و کیسه‌ی بیضه

سرعت داروهای مورد نیاز برای درمان عفونت یا کاهش علائم آن را دریافت کنند. همچنین باید به شرکای جنسی خود اطلاع داد که آنها نیز می‌توانند (برای حصول اطمینان بیشتر) آزمایش دهند. باید با شریک جنسی خود، آزادانه و صادقانه درباره‌ی بیماری‌ها جنسی صحبت کرد. این ضروری است که یک فرد تا پایان مرحله‌ی درمان خود و پارتنرش، از داشتن هرگونه رابطه‌ی جنسی خودداری کند تا یکدیگر را دوباره آلوده نکنند.


## چگونه می‌توان از بیماری‌های مقاربتی جلوگیری کرد؟

قابل اعتمادترین راه جلوگیری از انتقال بیماری‌های مقاربتی، خودداری کردن از فعالیت‌های جنسی (پرخاطر) و یا داشتن یک رابطه‌ی پایدار و منفرد با پارتنری که آلوده نیست می‌باشد. استفاده‌ی صحیح و مداوم از کاندوم لاتکس مردانه همچنین خطر ابتلا به بیماری‌های مقاربتی را کاهش می‌دهد. هرچند که استفاده از کاندوم به تنهایی و به طور مطلق نمی‌تواند فرد را در برابر بیماری‌های مقاربتی محافظت

## چه زمانی باید آزمایش داد؟

همه‌ی مردان همجنسگرا، دوجنسگرا و مردانی که با مردان دیگر رابطه‌ی جنسی برقرار می‌کنند، باید هر سال برای بیماری‌های مقاربتی (که شامل اچ‌ای وی هم می‌شود) آزمایش شوند. همیشه اگر علائم و نشانه‌های یکی از بیماری‌های مقاربتی دیده شد، باید موضوع را با یک پزشک مطرح کرد. آزمایش دادن از این رو اهمیت دارد که افراد می‌توانند به





کند. واکسن‌هایی نیز برای جلوگیری از بیماری اچ‌پی‌وی برای زنان و مردان موجود است.

## آیا بیماری‌های مقاربتی درمان می‌شوند؟

آنتی‌بیوتیک‌ها به طور موفقیت‌آمیزی می‌توانند بیماری‌های مقاربتی باکتریایی از قبیل سوزاک، سفلیس و کلامیدیا را درمان کنند، هرچند مقاومت دارویی سوزاک در سراسر دنیا افزایش یافته است، علی‌الخصوص در ایالات متحده که با این روال موفقیت‌آمیز بودن درمان سوزاک در حال دشوارتر شدن است. درمانی برای بیماری‌های مقاربتی ویروسی وجود ندارد، مانند اچ‌پی‌وی و هرپس (تبخال) تناسلی. آنتی‌ویروس‌های دارویی می‌توانند در بازه‌ی زمانی‌ای که فرد از این داروها استفاده می‌کند از شیوع تبخال جلوگیری کنند یا دوره‌ی ظاهر شدن آن‌ها را کوتاه کنند. به علاوه، درمان موثر روزانه برای هرپس علامت‌دار می‌تواند انتقال این بیماری را به شرکای جنسی کاهش دهد. زگیل‌های قابل مشاهده که به خاطر اچ‌پی‌وی به وجود آمده است می‌تواند درمان و برداشته شود.





**مردمان خیابان انقلاب**  
کاریکاتور از: مانا نیستانی




# روبات تلگرام مجله پسران

ویدئو، موزیک، دکلمه های عاشقانه و کتاب در روبات تلگرام  
همین حالا در روبات تلگرام مجله پسران عضو شوید...

[www.telegram.me/PesaranMagBot](http://www.telegram.me/PesaranMagBot)





A close-up photograph of two men laughing together. The man on the left is wearing a grey blazer and has a beard. The man on the right is wearing a blue blazer over a red t-shirt and also has a beard. They are both smiling broadly and looking at each other.

## چرا و چگونه درباره سکس صحبت کنیم؟



می دونم که خیلی هاتون دلهره دارین که نکنه اگه راجع به سکس با شریک جنسیتون حرف بزنین، ذوق و هیجان بینتون از بین بره یا این که اون از دست شما ناراحت بشه. خب نترسین! صحبت کردن راجع به ارتباط جنسی و اینکه شما چه چیزهایی رو دوست دارین یا دوست ندارین نه تنها خودش می تونه کلی هیجان ایجاد کنه بلکه باعث می شه که شما و شریک جنسی تون یه تجربه جنسی فوق العاده بهتری هم داشته باشین.

بذارید یه مثال بزنم. اکثر ما وقتی می ریم رستوران، به خصوص یه رستوران جدید، اول میشینیم و به منو کلی نگاه می کنیم. حتی ممکنه که از گارسون راجع به غذاهای مختلف سوال بپرسیم. مثلاً من از غذای تند خوشم نیاد و پیاز خام هم اصلاً از گلوم پایین نمی ره. برای همین هم همیشه با دقت به منو نگاه می کنم تا مطمئن بشم که از غذایی که قراره سفارش بدم لذت خواهم برد.

برقراری یه رابطه جنسی خوب هم نیازمند اینه که شما در

درجه اول خواسته ها و البته ناخواسته های جنسی خودتون رو بشناسید و در درجه دوم این موارد رو با شریک جنسی تون در میون بذارین. یادتون نره که از شریک جنسی تون هم بخواهید که شرایطش و اونچه رو که از یه سکس خوب می خواد، براتون توضیح بده.

مثلاً من می دونم که از اینکه گردن و لاله گوشم نوازش داده بشه خیلی خوشم میاد و همین طور هم می دونم که من حداقل به ده پونزده دقیقه نوازش نیاز دارم، قبل از اینکه اصلاً به فکر در آوردن لباسام بیافتم! خب شریک جنسی من به خصوص اگر رابطه مون تازه باشه از کجا باید این چیزها رو راجع به من بدونه؟ شاید باورتون نشه، ولی من حتی افرادی رو می شناسم که با وجود اینکه سالهاست با هم رابطه جنسی داشتن هنوز ساده ترین نیازها و شرایط همدیگه رو نمی دونن. بعضی هاشون خجالت می کشن که راجع به سکس صحبت کنن و بعضی های دیگه هم سالهاست که منتظرن شریکشون قابلیت تلیپاتی پیدا کنه و یه دفعه تمام این نیازها رو بدون این که کسی در موردشون حرفی به زبون بیاره، بفهمه! خب نتیجه



صحبت نکردن راجع به سکس اغلب یا اینکه که طرفین از ارتباط جنسی‌شون احساس رضایت نمی‌کنن و یا اینکه در بعضی موارد حتی از نظر روانی یا فیزیکی به هم آسیب می‌زنند. آسیب‌هایی که ممکن هست مدت‌ها بگذره تا جبران بشن.

**حالا که اهمیت صحبت کردن راجع به سکس رو فهمیدیم بریم سر اصل مطلب. این که چطوری باید در مورد سکس حرف بزنیم؟**

فکر می‌کنین این مطالب مهم رو چطوری می‌خوایین با شریک جنسی‌تون در میون بذارین؟ بذارین یه کمی به این فکر کنیم. فکر می‌کنین که وقتی بخواین راجع به سکس با شریکتون صحبت کنین، چه چیزهایی رو می‌خواین بهش بگین؟ خودتون رو کجا تصور می‌کنین، و چه حسی دارین؟ می‌دونم، شاید هنوز تصور این لحظه براتون سخت باشه. خب بذارین چند تا نکته رو براتون بگم.

تجربه به من نشون داده که برای اغلب افراد صحبت کردن راجع به سکس خارج از جاهای خصوصی مثل تخت خواب یا خونه راحت‌تره. پس اول یه مکان راحت و عمومی پیدا کنین مثل یه کافی شاپ یا یه گوشه دنج و خلوت توی پارک. مطمئن باشین که به اندازه کافی وقت دارین چون خیلی وقت‌ها ممکنه صحبت کردن راجع به مسایل جنسی خیلی پیشتر از اونی که فکرش رو می‌کردین طول بکشه. اگه شما و شریک جنسی‌تون تا حالا خیلی راجع به سکس حرف برای گفتن داشته باشین! افرادی که به صحبت کردن راجع به سکس عادت دارن و با شریک جنسی‌شون خیلی احساس راحتی می‌کنن کم‌کم یاد می‌گیرن که افکار و احساسات جنسی‌شون رو به طور مداوم و در مکان‌ها و زمان‌های مختلف با هم در میون بذارن. البته این رو هم بگم که اگه در حین صحبت شما یا طرف مقابلتون دیگه نخواست ادامه بده سعی کنین که با احترام به بحث خاتمه بدین یا به جلسه آینده واگذار کنین.





یه نکته دیگه هم اینه که یادتون نره تا می‌تونین با احترام و آرامش و بدون پیش‌داوری با هم صحبت کنین. اگر هم فکر می‌کنین باز کردن صحبت براتون سخته می‌تونین حرف‌هاتون رو روی یه کاغذ بنویسین و با هم رد و بدل کنین.

سعی کنین که هم راجع به چیزهایی که دوست دارین و هم راجع به چیزهایی که دوست ندارین حرف بزنین. مثلاً بگین یا بنویسین «من وقتی تو آلت جنسی من رو لیس می‌زنی خیلی دوست دارم ولی نوک سینه‌های من به تماس خیلی حساس هستن پس لطفا مواظب باش!»

یادتون نره که در نهایت هر طور که تصمیم بگیرید راجع به سکس حرف بزنین یا منظورتون رو برسونین، از اینکه هیچی نگین خیلی بهتره. هیچ اشکالی نداره که از کلمات غیر رسمی برای صحبت کردن راجع به علایقتون یا حتی اعضای بدنتون استفاده کنین. و حتماً به کلماتی که شریکتون استفاده می‌کنه هم دقت کنید و احترام بذارین.

خب، حالا یه نفس عمیق بکشین و فکر کنین که چه چیزهایی رو دوست دارین به شریک جنسی‌تون بگین. من بهتون قول می‌دم که خیلی زود به صحبت کردن و گوش دادن به صحبت‌های شریک جنسی‌تون راجع به سکس عادت می‌کنین و حتی ممکنه ازش خیلی هم لذت ببرین.





بدیهی است ما دگرباشان ایرانی چهار دهه است که زیر بار انکار، ظلم و جفای سیستماتیک در جمهوری اسلامی روزگار گذرانده ایم. حق حیات ما سالهاست که نادیده گرفته شده و عرصه زندگی بر ما تنگ گشته است. امید دارم جنبش آزادی خواهی و فرا جناحی ملت ایران، با همکاری و مشارکت سیاسی و اجتماعی همگان و از جمله خود ما دگرباشان، آینده بهتری را برای تک تک شهروندان فراهم آورد.

**آرشام پارسی**  
مدیر سازمان دگرباشان ایرانی





#من\_نگین\_کمانی\_هستم





## معرفی فیلم

کارگردان

راسل مالکھی

نویسنده

کیتی فورد (نمایشنامه)

بر پایه

نیایش‌ها برای بابی

اثر

لوری اف. آورنز

بازیگران

سیگورنی ویور

هنری سزرنی

رایان کلی

موسیقی

کریستوفر وارد

تدوین

ویکتور دو بویس

کشور

آمریکا

زبان

انگلیسی

شبکه پخش‌کننده

لایف‌تایم

تاریخ انتشار

۲۴ ژانویه ۲۰۰۹

### نیایش‌ها برای بابی (Prayers for Bobby)

یک مادر برای رسیدن به معنی خودکشی فرزند همجنس‌گرایش است که بر اساس اتفاقات واقعی برای نویسنده نوشته شده است. داستان آن درباره بابی گریفیتس فرزند مری گریفیتس است که مادرش وقتی از همجنس‌گرایی فرزندش مطلع می‌شود وی را تحت فشار می‌گذارد و در نهایت وی را طرد می‌کند. فرزندش خودکشی می‌کند و این وقایع باعث تغییرنظر مادر نسبت به مسئله همجنس‌گرایی می‌شود...





## روش های دریافت رایگان مجله پسران

۱ « به وب سایت [www.pesaranmag.com](http://www.pesaranmag.com) مراجعه کنید.

۲ « عضو روبات تلگرام مجله شوید و به بخش دانلود مجله پسران مراجعه کنید. [t.me/PesaranMagBot](https://t.me/PesaranMagBot)

۳ « اگر در ایران هستید یک ایمیل خالی به ایمیل زیر ارسال کنید تا همه ی شماره ها برای شما ارسال شود. [pesaranmag@gmail.com](mailto:pesaranmag@gmail.com)



آیا لاغری با ماساژ  
امکان پذیر است؟





کاهش ضخامت در حدود ۲ میلیمتر بود، پس احتمالاً ماساژ لنفاوی تأثیر چندانی روی کاهش وزن و از دست دادن چربی ندارد.

## ماساژ همراه با رایچه‌درمانی و کاهش وزن



پژوهشی در سال ۲۰۰۷ در مجله‌ی «Korean Academy of Nursing» به چاپ رسید که نشان می‌دهد ماساژ منظم شکم همراه با رایچه‌درمانی به‌وسیله‌ی مخلوط روغن‌های گریپ فروت و سرو، بیشتر از روغن دانه‌ی گریپ فروت به‌تنهایی، در کاهش چربی شکم و دور کمر مؤثر است. از طرفی، چون این مطالعه به‌خوبی طراحی نشده بود و گروه شاهد و گروه مورد مطالعه دقیقاً هم‌ارز هم نبودند، ممکن است عاملی غیر از رایچه‌درمانی روی نتایج اثر گذاشته باشد. به همین دلیل، برای تأیید این نتایج، به پژوهش‌های بیشتری نیاز است.

بیشتر ما با شنیدن کلمه‌ی «ماساژ» یاد شکستن قولنج یا مشت‌ومال می‌افتیم! اثرات ماساژ اصولی روی آرامش و کاهش درد به اثبات رسیده است، اما آیا فکر می‌کنید لاغری با ماساژ امکان‌پذیر است؟ برای یافتن پاسخ این سؤال و فراگرفتن نکاتی درباره‌ی ماساژ، ادامه‌ی این مقاله را بخوانید.

## لاغری با ماساژ شکم

لنف یکی از مایعات زیستی بدن است که در مبارزه با بیماری‌ها نقش دارد. ماساژ لنفاوی نوعی از ماساژ است که با وارد کردن ضربات کوچک، باعث حرکت و تعادل مایع لنف در بدن می‌شود. در این ماساژ، ضربات کوچکی به شکم هم وارد می‌شود که در فرانسه گاه به‌منظور کاهش وزن مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما شواهد علمی چندانی برای تأیید لاغری با ماساژ شکم وجود ندارد. در سال ۲۰۱۰ در مجله‌ی «European Academy of Dermatology and Venereology» مطالعه‌ای منتشر شد که نشان داد ماساژ لنفاوی، دست‌ورزی بافت پیوندی و ماساژ مکانیکی، باعث می‌شوند تا اندکی از ضخامت چربی زیر پوست کاسته شود. این



چربی در بدن خود می‌شوید! اما خریدن این ابزارها به پولی که هزینه می‌کنید، نمی‌ارزد. در سال ۲۰۰۲ مطالعه‌ای در مجله‌ی «Strength and Conditioning Research» به چاپ رسید که نشان داد این ابزارها هیچ تأثیری روی کاهش وزن و کاهش چربی بدن ندارند.

## اهمیت رژیم غذایی سالم و ورزش



به جای اینکه به لاغری با ماساژ شکم فکر کنید، بیشتر ورزش کنید و کالری کمتری مصرف کنید. سعی کنید حداقل ۵ روز از هفته به مدت ۳۰ الی ۶۰ دقیقه، تمرینات ورزشی نسبتاً شدیدی داشته باشید. حداقل دو روز در هفته هم تمرینات قدرتی انجام بدهید. این کار باعث سوزاندن کالری بیشتر می‌شود و به شما کمک می‌کند به جای سوزاندن عضله، چربی بسوزانید. برای اینکه در هفته حدود نیم کیلو وزن کم کنید، باید روزانه

## ماساژ شکم و یبوست


براساس مطالعه‌ای که در اکتبر ۲۰۱۱ در مجله‌ی «Bodywork and Movement Therapies» منتشر شد، ماساژ شکم به عبور سریع تر غذا از روده کمک می‌کند، بنابراین ممکن است باعث درمان یبوست شود. رفع گرفتگی روده به معنای کاهش وزن واقعی نیست اما می‌تواند در داشتن ظاهر و حس بهتر به شما کمک کند. چون یبوست باعث انسداد روده و ورم شکم می‌شود، پس درمان این مشکل می‌تواند به شما ظاهری لاغرتر ببخشد.

## ماساژ با ابزارهای تحریک الکتریکی و کاهش وزن



شاید ایده‌ی هیجان‌انگیزی به نظر برسد که یکی از آن وسایل تحریک الکتریکی را بخرید و برای ماساژ شکم یا هر جای دیگر بدن از آن استفاده کنید، چون فکر می‌کنید با این کار باعث عضله سازی و کاهش





۲۵۰ الی ۵۰۰ کالری کمتر مصرف کنید. خوردن غذاهای فرآوری شده، پُرچرب و شیرینی‌جات را محدود کنید و در مقابل خوراکی‌هایی با فیبر بالا (مثل میوه، سبزی و غلات کامل) و پروتئین زیاد بخورید تا هم احساس سیری کنید و هم کالری کمتری دریافت کنید.

### چند نکته‌ی مهم

ماساژ اگرچه برای بیشتر افراد بی‌خطر است، اما در افراد مبتلا به اختلالات خونی، لخته‌ی خون در پا، نارسایی قلبی یا کلیوی، بیماری‌های پوستی و اگیردار و عفونت‌های بافت پیوندی یا عروق سطحی مخاطره‌آمیز است. افرادی که به‌تازگی تحت عمل جراحی قرار گرفته‌اند، افراد مبتلا به سرطان، رماتیسم مفصلی و پوکی استخوان باید با پزشک خود مشورت کنند تا مطمئن شوند ماساژ برای‌شان خطری ندارد. ماساژ شکم در افراد باردار، مبتلایان به عفونت ادراری و افرادی که به فشار خون بالا، فتق شکم، اندومتريوز، عفونت التهابی لگن یا افتادگی رحم دچارند، ممنوع است.





**برهان‌هایی در نشی مقایسه‌ی  
ساجدین و سگرایان و قوم لوط**



هر چند که همزمان «مسلمان» و «همجنسگرا» بودن رسم و هنجار شناخته شده‌ی جامعه‌ی امروز ما نیست اما این را نباید دال بر نبود چنین افرادی در بین ما تلقی کرد. اگر دیدگاه‌های مذهبی دولتی و حکومتی با اعمال و رفتار خود به دین‌گریزی و دین‌ستیزی در جامعه دامن زده اند، اما این بدان معنا نیست که مسلمانان معتقد و راستین تعدادشان کم است. از طرف دیگر سرکوب و نادیده گرفتن اقلیتهای جنسی در کشور، هر چند که بسیاری از همجنسگرایان را دین‌گریز کرده، اما کماکان بخش وسیعی از همجنس خواهان (چه با گرایش خود کنار آمده باشند و چه نه) همچنان اعتقادات مذهبی دارند و روی سخن این نوشته هم با همین طیف دوستان است. هرگاه بحث از همجنسگرایی در جامعه‌ی ما در بین عوام و آدمهای مذهبی متعصب و قشری به میان می‌آید ابتدا همجنسگرایان را همجنس باز خطاب می‌کنند و بلافاصله هم این افراد را به قوم لوط نسبت داده و لواط کار لقب می‌دهند این در حالی است که همجنس گرایی با همجنس بازی (لواط) دو موضوع کاملاً متفاوت است. همجنس‌بازان فقط برای تمتع

جنسی وارضای غریزه‌ی شهوت خود با همجنس‌های خود نزدیکی می‌کنند ممکن است این افراد حتی دارای همسر و فرزند هم باشند ممکن است مجرد باشند و خلاصه اینکه همجنس‌بازان شاخ و دمی متفاوت از بقیه‌ی انسانها ندارند که عده‌ای آنها را به دسته جات و گروههای خاصی منتسب می‌دانند در حالی که همجنسگرایان بخشی از افراد جامعه هستند که از سطح هوش و سواد کافی و وافی برخوردارند و حتی افراد محترم و متشخصی‌اند و بی‌شک حتی متخصصینی هستند که به همجنس خود گرایش عاطفی و قلبی دارند و شاید بخشی از آنها با فراهم بودن شرایط و امکانات در خوشبینانه‌ترین حالت با همجنس خود ازدواج کنند و به زیر سقف زندگی مشترک که طبیعی‌ترین و معقول‌ترین شکل ارضاء نیاز جنسی و عاطفی در سراسر دنیا که دگرجنسگرایان هم آن را تجربه می‌کنند بروند. اما ممکن است برای همه این موقعیت فراهم نشود و همانطور که یک دختر باید تا ازدواج صبر کند تا شرایطش فراهم شود برای پسران و مردان مجرده همجنسگرا هم همین اتفاق می‌افتد. طبیعی است که در



این برهه که دگرجنسگرایان متعددی با وجود حکمرانی گرایش جنسی آنان به عنوان گرایش اکثریت به دلیل مشکلات متعدد مخصوصاً وضعیت بفرنج اقتصادی کشورمان به رغم بهره مند بودن از امکانات متعددی که همجنسگرایان از آن محروم اند همچون حق ابراز گرایش جنسی خود، حق ازدواج و به رسمیت شناخته شدن حقوق اولیه ی خود و... همچنان بعد از گذشت سال های سال از بحرانهای ابتدایی انقلاب و مخصوصاً جنگ ۸ ساله آنچنان تغییری محسوس در گشایش زندگی اقتصادی جمعیت عمومی مشاهده نمی شود و بسیاری از دگرجنسگرایان از ازدواج سرباز می زنند و ما شاهد بالا رفتن سن ازدواج جوانان در کشورمان هستیم (متوسط ۳۵ سال برای آقایان تحصیلکرده) و دگرجنسگرایان با پیشه کردن مجردی و حتی روی آوردن به ازدواج سفید، نیازها، احتیاجات و عواطف خود را به گونه ای نامشخص ارضاء می کنند و ما از سوی دیگر شاهد رواج تن فروشی و روسپیگری در کشورمان هستیم حال اینجا این سوال پیش می آید که تکلیف یک همجنسگرا با این اوضاع قاراشمیش

چیست؟ چگونه می شود یک همجنسگرا راهجنسباز نامید؟ چگونه باید بین این دو تفاوت قائل شد با چه دلایل و شواهد متقن و مستدلی؟ آیا ملاکی برای تشخیص این دو وجود دارد که ما بتوانیم بر پایه ی آن عده ای را همجنس باز وعده ای را همجنسگرا بدانیم؟ حقیقت این است که پیچیدگی انسان امروزی به حدی است که هیچگاه نمی شود در مورد یک فرد، یک رفتار که در موقعیتی روی می دهد بدون کاربرد و رعایت کلیه ی جوانب منطقی قضاوتی کاملاً درست داشت. حال بگذریم از اینکه متشرعان خود بر پایه ی چه استدلالاتی به قضاوت در مورد دیگران می پردازند و چگونه حق به جانب حکم صادر می کنند. این مطلب سعی دارد با نگاهی به چند دیدگاه که در بین عموم در مورد قوم لوط و نسبت دادن آن به همجنسگرایان وجود دارد پای چوبین استدلال را در این موضوع برجسته کند. آن چه که در نگاه اول برای عموم و اکثریت جامعه در مورد دگرباشان عجیب است دیدن آدمهای متفاوت از خود هست واز آنجا که عموم مردم به دلیل پایین بودن سطح آشنایی شان با این گونه افراد و همچنین زمینه سازی مفهومی غلط و



اشتباهه مذهب‌یون با استدلالات کمتر منطقی و بیشتر بی پایه و اساس و در ظاهر کاملاً موجه و منطقی و در یک کلام فریب دادن افکاره عمومی تمایل دارند هر کس غیر از خود را منحرف بدانند و بیشتر هم استدلال شان بر پایه ی همان قوم لوط در قرآن است. این در حالی است که کمتر تشابهی بین اقلیت های جنسی و قوم لوط یا همجنس‌بازان وجود دارد.

تنها راهه رهانیدن جاهلان از ورطه ی نادانی و کج فهمی آگاهی بخشی است. آوردن مثال های عینی متعدد که برهان آنان را به چالش می کشد و اگر بفرض منتهی به بطلان برهان آنها در یک مباحثه نشود پایه های فکری استدلالات شان را متزلزل می کند و این خود قدمی بزرگ در این راه است.

واقعیت این است که در قرآن به همجنس‌گرایی و اقلیتهای جنسی اشاره نشده است. تنها دستاویز مذهب‌یون متعصب، همانا موضوع قوم لوط است و به این تشبه دامن می زنند که نازل شدن غضب خدایی بر قوم لوط، به خاطر همجنس‌گرایی آنها بوده است. چنین

برداشتی عجولانه و سطحی است، بدین سبب که امکان ندارد که همه مردان یک قوم همجنس‌گرا باشند، چرا که با عقل جور در نمی آید، ثانیاً، تمام شواهد و استنادات اجتماعی و علمی دال بر آن دارند که تنها حدود ۱۰ درصد افراد یک جامعه به زعم برهان خوده آنها به همجنس خود گرایش دارند. به همین سبب این برداشت و ادعا منطقی تر به نظر می رسد که دچار شدن قوم لوط به غضب الهی، در اصل به خاطر عدم مهمان نوازیشان بوده است، به خصوص که مهمان ارزش زیادی نزد خداوند دارد.

موضوع دیگر اینکه در داستان قوم لوط از همجنس‌گرایی زنان صحبتی نمی شود. پس چرا همجنس‌گرایی زنان یا همان (مساحقه) در جوامع اسلامی آزاد و به رسمیت شناخته نمی شود؟ داستان قوم لوط اگر چیزی را ثابت کند این است که همجنس‌گرایی از ابدالدهر در جوامع انسانی بوده و آنطور که قشریون ادعا می کنند، یک کالای واردتی غربی نیست.

اما اگر از جنبه تولیدمثل و ازدیاد نسل بشر بخواهیم به مسئله نگاه کنیم، باید گفت



که نسل بشر آنقدر زیاد است که منقرض شدنی نیست و از طرف دیگر، همجنسگرایان هم با استفاده از روشها و تکنیک های جدید، از جمله لقاح مصنوعی قادرند بچه دار شوند و هیچ سند و مدرکی هم دال بر بهتر بودن والدین غیر همجنسگرا بر دیگران در دست نیست.

منبع: مرکز مشاوره اقلیت جنسی ایران  
@PSYLGBTiranian

مشترک آگهی ماهنامه پسران ویژه بر اساس بودجه و محتوای این مجله برای افراد زیر 18 سال مناسب نمی باشد!

ماهانامه پسران  
شماره 1 شماره 12 بهمن 1397  
آگهی ویژه پسران همجنسگرا

**پسران**

آیه در این شماره میخوانید...

- همجنسگرایی در تاریخ اجتماعی مسلمانان
- بیوگرافی هری استایز
- تنفس عمیق برای کاهش سلامت
- همورویید چیست؟
- معرفی کتاب: آزاد و بورژوازی شده ایم
- خدمت سرایزی بهترین دوران زندگی یک همجنسگرا

کمپین بزرگ ایرانی همجنسگرایان

جهت اطلاع از رانگاری مجله به آیدی تلگرام ما مراجعه کنید  
www.PesaranMag.com

مشترک آگهی ماهنامه پسران ویژه بر اساس بودجه و محتوای این مجله برای افراد زیر 18 سال مناسب نمی باشد!

ماهانامه پسران  
شماره 1 شماره 12 بهمن 1397  
آگهی ویژه پسران همجنسگرا

**پسران**

آیه در این شماره میخوانید...

- چرا آگاهی رسانی در مورد اقلیت های جنسی مهم است؟
- تکالی برای عکس مقلدی لذت بخش تر
- علت ریزش موی مردان و راهکارهای درمان آن
- 5 تکه جوشاننده برای لثاری باژدهمان
- آموزش ماساژ پروستات
- دست های رنگین کمپین بزرگ همجنسگرایان ایران

جهت اطلاع از رانگاری مجله به آیدی تلگرام ما مراجعه کنید  
www.PesaranMag.com

مشترک آگهی ماهنامه پسران ویژه بر اساس بودجه و محتوای این مجله برای افراد زیر 18 سال مناسب نمی باشد!

ماهانامه پسران  
شماره 1 شماره 12 بهمن 1397  
آگهی ویژه پسران همجنسگرا

**پسران**

آیه در این شماره میخوانید...

- همجنسگرایی در سینمای ایران
- سایز آلت تناسلی مردان جهان چقدر است؟
- چگونه لباس زیر مناسب انتخاب کنیم؟
- مردان هم باردار می شوند!
- دستگاه آخرین بوسه
- چگونه امنیت ایمیل را تضمین کنیم؟
- عبارتی که بهترین رابطه های عاشقانه را هم خراب می کند
- ایند بیماری همجنسگرایان نیست
- شاهد بازی در ادبیات فارسی
- سونا چیست و چه فوایدی برای بدن دارد؟

تورنگ درخشانی لغت به این آزار...

جهت اطلاع از رانگاری مجله به آیدی تلگرام ما مراجعه کنید  
PesaranMag@gmail.com

مشترک آگهی ماهنامه پسران ویژه بر اساس بودجه و محتوای این مجله برای افراد زیر 18 سال مناسب نمی باشد!

ماهانامه پسران  
شماره 1 شماره 12 بهمن 1397  
آگهی ویژه پسران همجنسگرا

**پسران**

آیه در این شماره میخوانید...

- مضامین اختصاصی با محمد خرداندیشان
- اگر زیاد دوش میگیرید بخواهید...
- همجنسگرایی در گذر تاریخ
- آموزش امنیت اینستاگرام
- چطور دوست پیدا کنیم؟
- مضامین اختصاصی با محمد خرداندیشان
- مسئله همه ماست کودک آزادی هست!
- آیا فرد پُر موی هست؟
- آموزش ماساژ جنسی بدن
- فوت فتنش چیست؟

جهت اطلاع از رانگاری مجله به آیدی تلگرام ما مراجعه کنید  
PesaranMag@gmail.com

مشترک آگهی ماهنامه پسران ویژه بر اساس بودجه و محتوای این مجله برای افراد زیر 18 سال مناسب نمی باشد!

ماهانامه پسران  
شماره 1 شماره 12 بهمن 1397  
آگهی ویژه پسران همجنسگرا

**پسران**

آیه در این شماره میخوانید...

- اندازه طبیعی آلت تناسلی مردان چقدر است؟
- دافستان مصر ایرانی
- یوسف و فرهاد
- فرهنگ ایران تجاوز جنسی بخوانند!
- روابط جنسی با همجنس در ایران معاصر
- 15 توصیه برای لذت بدنسازی
- برای فصل پاییز چس بپوشیم؟
- روش شستشوی مقلد برای عکس مقلدی
- درمان زود انزالی با روشهای طبیعی

جهت اطلاع از رانگاری مجله به آیدی تلگرام ما مراجعه کنید  
www.telegram.me/PesaranMag

مشترک آگهی ماهنامه پسران ویژه بر اساس بودجه و محتوای این مجله برای افراد زیر 18 سال مناسب نمی باشد!

ماهانامه پسران  
شماره 1 شماره 12 بهمن 1397  
آگهی ویژه پسران همجنسگرا

**پسران**

آیه در این شماره میخوانید...

- پاسخ به سوالات پناهجویان دگرگوش
- چهار نکته برای ساختن ماهیچه خانگی
- آموزش ماساژ کف پا
- نوع پوشش مناسب در گذر تاریخ
- نوع پوشش مناسب برای مردان
- چرا در مردان اتفاق می افتد؟
- خود ارضایی و فواید آن
- لیاس مردانه شریک و تکالی پسران آن

جهت اطلاع از رانگاری مجله به آیدی تلگرام ما مراجعه کنید  
www.telegram.me/PesaranMag

شماره های قبلی مجله پسران را از سایت [www.pesaranmag.com](http://www.pesaranmag.com) دانلود کنید.





## دعوت به همکاری با مجله پسران

رشته های مورد نیاز :

- مشاور حقوقی
- مشاور روانشناس
- پزشک اورولوژیست
- خبرنگار افتخاری
- عکاس
- طراح گرافیکست
- کاریکاتوریست
- شاعر و نویسنده
- برنامه نویس
- مترجم زبان انگلیسی
- ویراستار
- نقاش و تصویرگر
- انیمیشن ساز
- مربی تربیت بدنی

مجله پسران از شما علاقه مندان به فعالیت در دفاع از حقوق دگرباشان دعوت به عمل می آورد. اگر شما هم دوست دارید در این فعالیت داوطلبانه سهمی داشته باشید. میتوانید درخواست خود را برای ما به آدرس ایمیل مجله پسران [info@pesaranmag.com](mailto:info@pesaranmag.com) ارسال کنید.

پس از بررسی نتیجه از طریق ایمیل به اطلاع شما عزیزان خواهد رسید. ضمناً هویت شما نزد مجله پسران محفوظ خواهد بود.

اولویت همکاری با کسانی خواهد بود که خود از جامعه رنگین کمانی باشند.



# راهنمای دوست‌یابی اینترنتی اقلیت‌های جنسی

ارسالی از مرکز مشاوره اقلیت جنسی ایران





اکنون از اولین دوست یابی های اینترنتی برای همجنسگرایان که با برنامه ی یاهو مسنجر در دهه ی هفتاد و هشتاد همزمان با اوج گرفتن ورود اینترنت به ایران شروع شده بود زمان زیادی گذشته و در طی این سالها سبک زندگی در ایران تغییرات محسوسی نسبت به دهه های اول انقلاب داشته است و یکی از این تغییرات که سرعت زیادی داشته دنیای دیجیتال و فناوری است که بر جنبه های متفاوت از جمعیت عمومی و علی الخصوص در مورد همجنسگرایان و دیگر اقلیت های جنسی تاثیر فراوانی داشته است.

قبلا دگرباشان برای یافتن کیس مورد نظره خود به مجلات دگرباش همچون مجله ی ماها، چراغ و... پیام و آگهی می فرستادند و این مجلات با چاپ این آگهی ها به طور جداگانه برای علاقمندان و دوست یابان پیدا کردن کیس مورد نظر قدمی برداشته بودند و چه بسا که همین ضمیمه های دوست یابی مجلات خیلی از افراد را در دوره ای که از دسترسی به یکدیگر در اقصا نقاط ایران محروم بودند با یک ایمیل به هم پیوند می داد. اما اکنون اوضاع کمی

متفاوت شده هرچند هنوز هم لازم است که نکات اصلی در مورد یک دوست یابی اینترنتی مثل قبل رعایت شود اما اوضاع کمی دگرگون شده و شیوه های دوست یابی پیچیده تر شده و به تبع آن کلاهبرداری و سوءاستفاده در این زمینه هم پیچیده تر شده و روش های جدید دروغ گفتن و جعل عکس و مشخصات در دنیای امروز باب شده است که لازم است این نکات را بدانید.

ما در مطلب زیر سعی کرده ایم نکات مهم برای یک دوست یابی اینترنتی را که هر فرد دگرباش باید بداند را آورده ایم با توضیحات و باید بدانید که نکات بیشتر ازین هم هست که سعی می کنیم همه ی آن ها را گردآوری کنیم و در دسترس شما عزیزان قراردهیم.

🕒 سابقا تصویری برای آگهی های دوست یابی چاپ نمی شد بلکه متن آگهی به این شکل بود که فردی که به دنبال کیس بود متن آگهی اش را بر مبنای این متن تنظیم می کرد ((بهتر است متن آگهی یک تصویر واقعی از شما در ذهن خواننده ترسیم کند. واضح بنویسید که چه نوع رابطه ای را می خواهید تا از دلگیری و پشیمانی بعدی ممانعت کرده



باشید بهتر است با خود دوست آینده‌ی خود صادق باشید))

اما اکنون تصویر جایگاه بسیار مهمی در تایید و رد شدن به عنوان یک گزینه مناسب دارد حال اختیار با خودتان است که خود را توصیف کنید و یا اینکه از خودتان تصویری بدهید.

🌀 از آدرس ایمیل اصلی خود و یا از اکانت اصلی تلگرامی، واتس اپ، لاین و فیسبوک خود برای چاپ آگهی استفاده نکنید و برای اینکار ایمیل جداگانه و یا شماره تلفنی جداگانه و یا حتی شماره مجازی تلگرامی جداگانه را برای اینکار تهیه کنید.

🌀 در اوائل آشنایی از رد و بدل کردن ایمیل اصلی، شماره تلفن، آدرس منزل و محل کار و تحصیل خود مجدانه بپرهیزید.

🌀 در فضای مجازی مخصوصاً در کانال‌های دوست‌یابی تلگرام طبق بررسی‌ها بارها و بارها مشاهده شده که افرادی عکس و مشخصاتی ارسال کرده‌اند و با آن چیزی که واقعاً بوده‌اند بسیار بسیار متفاوت بوده است و حتی به عمد از تصاویر پسرانی زیبا و خوش تیپ که از پروفایل دیگران برداشته‌اند سوءاستفاده می‌نموده‌اند

پس هیچگاه به تصاویری که در کانال‌های دوست‌یابی گذاشته می‌شود اعتماد نکنید بر اساس تجارب همکاران این مرکز و همچنین مصاحبه با کسانی که که به عنوان ادمین کانال‌های دوست‌یابی در تلگرام فعالیت داشته‌اند به این نتیجه رسیده‌ایم که حدود ۵۰ درصد آگهی‌ها و اکانت‌هایی که آگهی می‌داده‌اند فیک و دروغین بودند و به این جهت که به آیدی‌های ادمین‌های کانال‌های دوست‌یابی کمتر پیامی می‌داده‌اند برای گذاشتن آگهی در کانال تا ارسال پیام به ربات‌های دوست‌یابی هرچند باید رپورت بودن اکتراکانت‌ها را وعدم توانایی ارسال پیام را به دیگری در این مورد لحاظ داشت اما عدم اعتماد به ادمین و ارسال پیام به ربات‌های دوست‌یابی خود مجال تامل بیشتری دارد.

🌀 هرکس می‌تواند خود را در پشت یک آگهی یک اکانت و ایمیل پنهان کند چه بسا که خودتان برای بدست آوردن کیس و رعایت امنیت خودتان اینگونه اقدام می‌کنید هیچگاه فریب عکس‌هایی که در حین چت توسط فرد ارسال می‌شود را نخورید به تازه‌گی



روشی در فریب دادن در چت رواج یافته که فرد عکس های خود را کناره دیگر عکس های جذاب و چشم نواز می گذارد تا بیننده فریب بخورد و آن عکسها را هم در چت جهت جلب اطمینان شما پشت سرهم می فرستند پس اکنون دیگر حتی به عکس هایی که در چت فرستاده می شود هم نمی شود اطمینان کرد راه چاره چیست؟

از طرف بخواهید که عکس سلفی از خودش در سکرت چت بفرستد و بازهم اطمینان نکنید و از او بخواهید که با انگشتان دستش عددی که شما می خواهید را در تصویر نشان دهد و یا حتی از او بخواهید نوشته ای روی کاغذ در تصویر با خودش نشان دهد تا کاملا اطمینان حاصل کنید که خودش است و کسی دیگر نیست فراموش نکنید که باید اینکار در بازه زمانی کوتاهی صورت بگیرد نه یک ربع یا نیم ساعت یا مثلا بیشتر از آن در عرض چند دقیقه باید اینکار را انجام بدهد و این راهم فراموش نکنید که شما باید تعیین کنید در عکسی که می فرستد چه کاری انجام بدهد مبادا او خود تعیین فرستادن نوعی عکس یا عدد باشد که می تواند بازهم دروغین باشد و از

جایی دیگر برداشته باشد.

❖ در چت دوست یابی اینترنتی درخواست چندین عکس از طرف می تواند مناسب باشد اما همین چند عکس هم باید شرایط داشته باشد بهتر است عکس فوری از او بخواهید یعنی عکسی که همان لحظه از خودش در هر حال و شکل و شمایلی که هست گرفته شود نه عکس هایی که در آتلیه گرفته شده یا فتوشاپی است. عکس های که هنری و خیلی حرفه ای به نظر می آیند به احتمال زیاد دروغین و فیک می باشند.

❖ محل اولین ملاقات خود را در یک جای عمومی و شلوغ و یا در جمع دوستان تعیین کنید و اگر همدیگر را پسندیدید آنوقت برای ملاقات بعدی باهم تصمیم بگیرید.

❖ هیچگاه تا کسی را از نزدیک ندیده اید به هیچ عنوان روی عکس او دلخوش نکنید حتی اگر آن عکس را می پسندیدید واقعیت خیلی خیلی با آن چیزی که در تصویر می بینید متفاوت است.

❖ در هنگام اولین ملاقات به قول معروف از صابون زدن دل



بپرهیزید! چرا که ممکن است از بسیاری جهات مناسب همدیگر نباشید. چهره، حرکات، رفتار و افکار افراد ممکن است با آنچه که در چت عنوان می کنند یکی نباشد و چه بسا موارد بسیار زیادی شده ه فرد هنگام چت دچار شوق و رغبت زیادی است اما همینکه همدیگر را می بینند حالات روانی و عاطفی و خلقی او متفاوت می شود و جالب این است که بدانید خوده فرد هم در این حالات و تغییرات دخالتی ندارد و بلکه به طور اتوماتیک اتفاق می افتد و فرد تعمدی در آن ندارد اینجاست که بحث روان و شخصیت فرد و تجارب ذهنی و روانی فرد پیش می آید و نیاز به بررسی بیشتر است و نباید کسی را در این مورد سرزنش کرد و کاملاً به حاله خود وا گذاشت در انتخاب و رده یک کیس.

❁ اگر دوست بسیار صمیمی دارید او را در جریان ملاقات خود با دوست تازه قرار دهید و از وی بخواهید که مثلاً نیم ساعت بعد از تاریخ ملاقات به موبایل شما زنگ بزند تا از سلامتی شما مطمئن شود و حتی می توانید به طرف خود اطلاع دهید که بهتر است

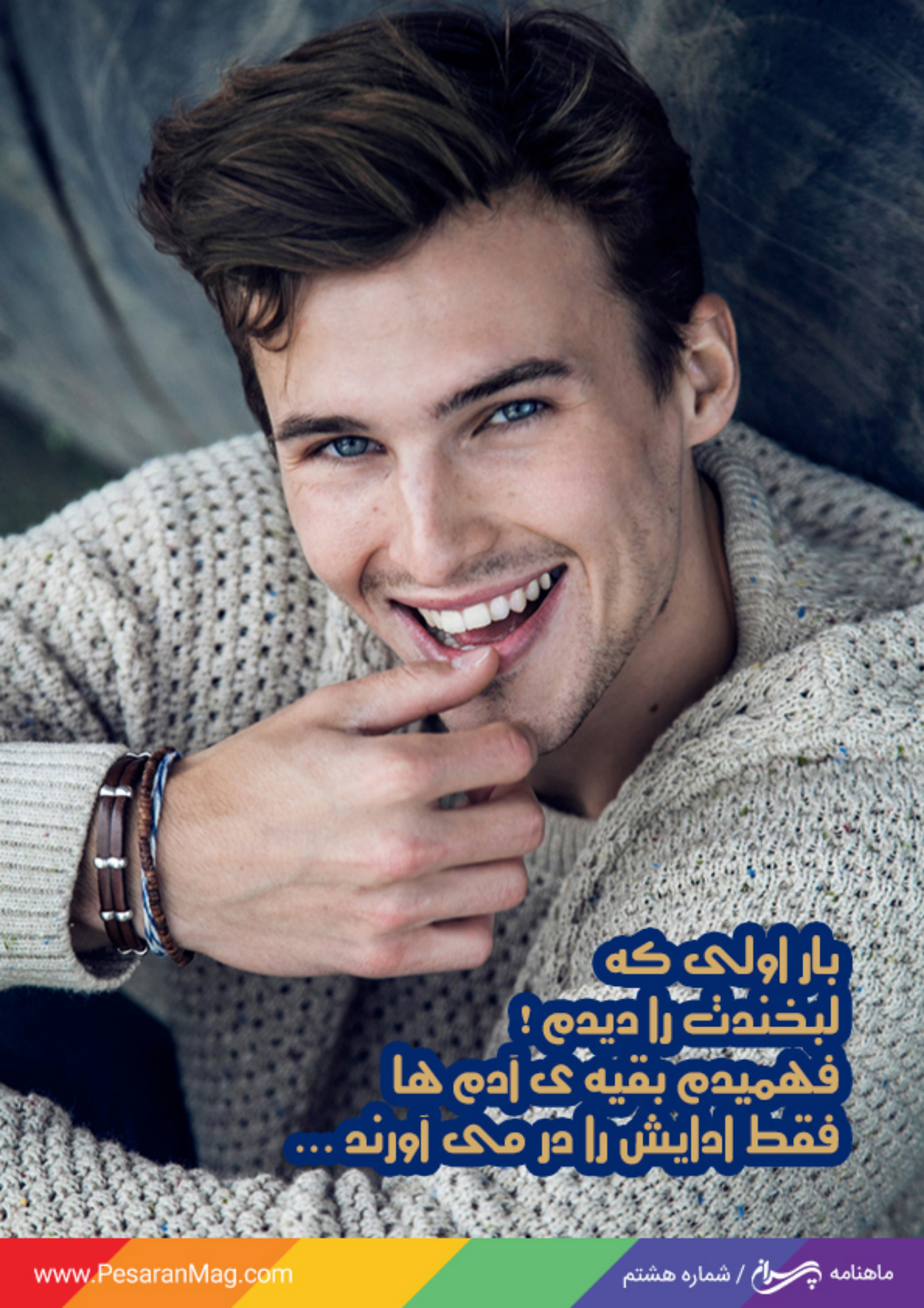
هرکدام از شما به همراهه یک دوست صمیمی سره اولین قرار ملاقات حاضر شوید. احتیاط و امنیت لازم را رعایت کنید و در صورت احساس کمترین شک و تردید، حواس خود را جمع کنید. احتیاط شرط واجب است و شما خود مسئول سلامتی و امنیت خود هستید.

❁ اگر فرد خوبی را ملاقات کردید که تیپ شما نبود لازم نیست کاملاً رابطه را قطع کنید بلکه می توانید به عنوان دو دوست هم احساس باهم رابطه ی دوستی معمولی داشته باشید.

مشاورین و روان شناسان ما دارای تخصص و مدرک لازم در زمینه روانشناسی و مشاوره بوده، خود از اعضای جامعه اقلیت جنسی هستند و یا در زمینه مشکلات و نیازهای آنان آموزش دیده اند و آماده گفتگو، و پاسخگویی به سوالات شما هستند.

سوالات خود را برای ما به ایمیل [info@pesaranmag.com](mailto:info@pesaranmag.com) ارسال کنید تا در شماره های بعدی مجله به سوالات شما پاسخ دهیم.





بار اولی که  
لبخندت را دیدم!  
فهمیدم بقیه ی آدم ها  
فقط ادایش را در می آورند...





چهار افسانه در باره ترنس ها



وقتی موضوعی در سایه باشد و اطلاع رسانی کمی درباره آن انجام شود حکایت آن فیل می شود که در تاریکی بود و هرکسی قسمتی از فیل را دست می کشید و فکر میکرد فیل آن شکلی است و برای دوستانش هم تعریف میکرد!

زمانی که ترنس ها نیز به درستی به جامعه شناسانده نشوند باعث می شود اطلاعات تکه تکه و ناقص ارائه شود و باعث ایجاد کلیشه ها و افسانه هایی می شود که برخی از آن ها شاید اصلا خنده دار باشد امروز در محتوا می خواهیم چند تا از این افسانه ها و کلیشه ها را بررسی کنیم و بگوییم درست آن چیست

## تنها یک راه برای ترنس بودن وجود دارد

مردم تصور میکنند تنها یک راه برای ترنس بودن است و تمام کسانی که ترنس هستند باید دارای یک احساسات مشترک و شبیه هم باشند.

مثلا تصور میکنیم اگر فردی یک ترنس زن است حتما باید از تصاویر دخترانه در شبکه های اجتماعی خودش استفاده کند یا اسم شناسنامه ای خودش را هیچوقت اعلام نکند و مواردی

این چینی!

اما به تعداد افراد ترنس، حالت های مختلف و احساسات مختلف وجود دارد. هر فردی به نوبه خود میتواند راه متفاوتی برای بروز آنچه هست، انتخاب کند.

اینکه فرد چه زمانی در پوشش مورد نظرش می رود، چه زمانی برای خود نام جدید انتخاب میکند، چطور به دیگران خودش را معرفی میکند و هزاران اتفاق دیگری که در زندگی یک ترنس اتفاق می افتد، همه با هم متفاوت است.

شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر فرد با دیگری متفاوت است و نباید انتظار داشته باشیم همه یکسان باشند.

## ندانستن جرم است!

گاهی اوقات تصور میکنیم در برخورد با یک ترنس اگر چیزی را ندانیم مجرم هستیم و باید همه چیز را از قبل بدانیم. اینکه چطور او را صدا کنیم، اصطلاحات را بدانیم و چیزهایی شبیه به این...

ولی اینکه همه ما، همه چیز را بدانیم نشدنی است

یک راه خوب و مناسب وجود



دارد تا وقتی چیزی را نمی دانیم، بتوانیم به درستی متوجه شویم:  
از خود فرد سوال کنیم!

بله به همین راحتی، اگر چیزی را نمی دانیم بهتر است از خود فرد بپرسیم و لازم نیست چیزی را حدس بزنیم.  
اینکه شما سوال پرسید و آگاهانه برخورد کنید بهتر از این است که حدس بزنید و ناخواسته توهینی انجام دهید اما اگر اشتباهی هم انجام دادید، مثلاً نام قدیمی فرد را صدا زدید، لازم نیست تصور کنید همه چیز تمام شده است، کافی است معذرت خواهی کنید! به همین سادگی

### **ترنس ها به دنبال جلب توجه هستند**

بله کاملاً حق با شماست! ترنس ها به دنبال جلب توجه هستند اما نه آنطور که شما تصور میکنید.  
ترنس ها نیاز به حمایت و پشتیبانی قانونی و خانوادگی دارند چون به شدت در معرض آزار و اذیت و خشونت هستند.

تحقیقی که در سال ۲۰۱۵ در آمریکا انجام شده است نشان می دهد ۴۶٪ افراد ترنس به خاطر

هویت شان مورد آزار و اذیت و خشونت قرار گرفته اند.

این نرخ در دوران مدرسه بسیار بیشتر است و حدود ۷۷٪ افراد بیان کرده اند در مدرسه به خاطر ترنس بودنشان مورد بدرفتاری قرار گرفته اند که ۵۴٪ آنها تهدید زبانی بوده و حدود ۲۴ درصد آنها اذیت های فیزیکی بوده است.

پس عجیب نیست اگر یک ترنس به دنبال جلب توجه خانواده و اجتماع برای دریافت حمایت باشد.

اما اینکه یک ترنس برای مشهور شدن و یا در دید مردم بودن بخواهد ترنس باشد یک دروغ بزرگ است زیرا برخلاف تصور عموم ترنس ها سعی میکنند تا زمانی که هویت واقعی خودشان را به دست نیاوردند در جامعه حضور پر رنگی نداشته باشند.

### **ترنس بودن یک بیماری روانی است**

این تقصیر شما نیست که این تصور را دارید.

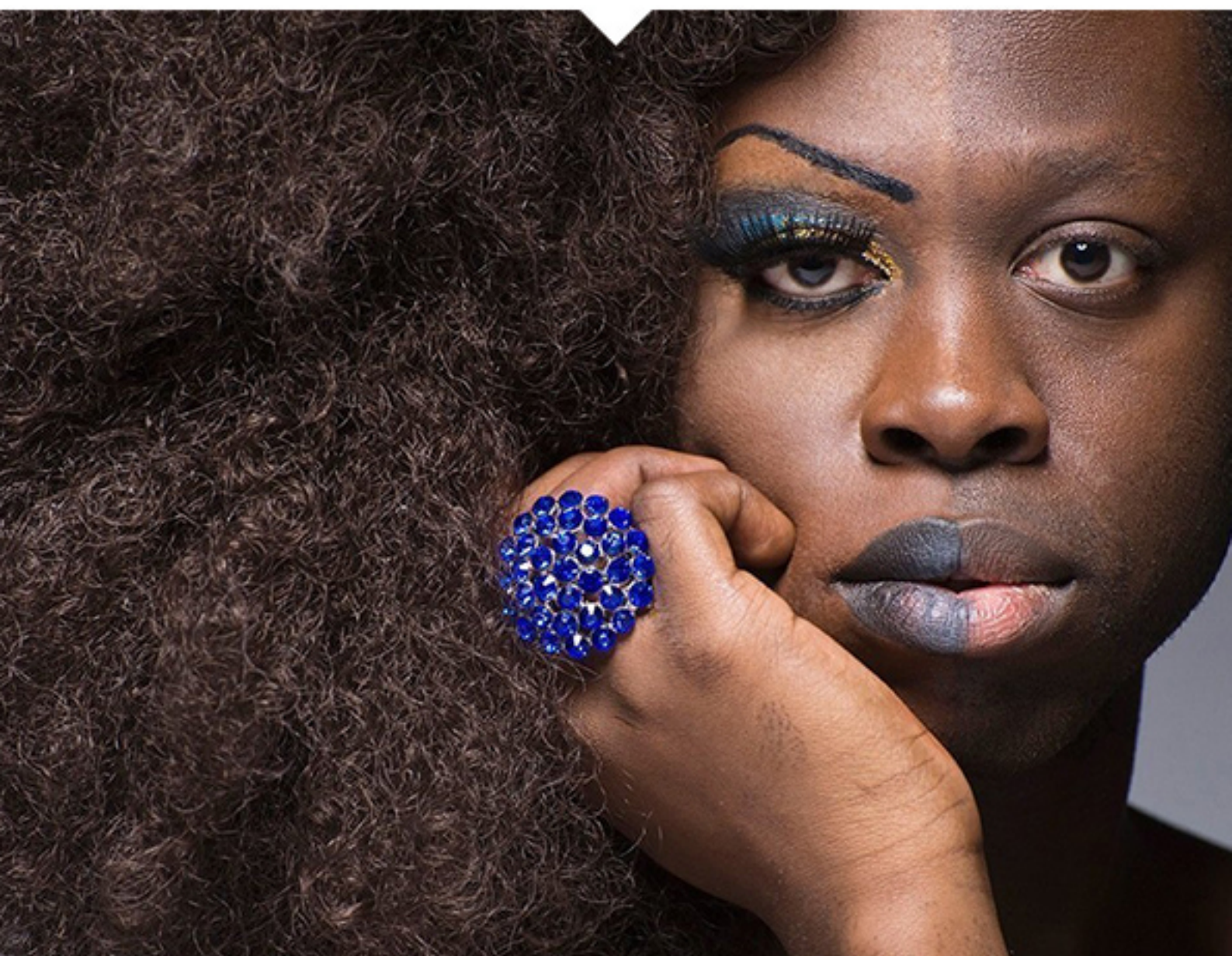
در گذشته کتاب مرجع DSM ترنس بودن را یک اختلال روانی دسته بندی میکرد و این کلیشه را تقویت میکرد. اما بهتر است کمی به روز باشیم چون چند سالی است که دیگر ترنس بودن در کتاب مرجع DSM



از دسته اختلالات روانی خارج شده است و دیگر ترنس بودن یک بیماری روانی نیست بلکه به عنوان یک ملال با آشفتگی جنسیتی شناخته می شود یعنی فردی که بین جنسیت خود و اندام جنسی اش تضاد می بیند و تجربه استرس و تضاد بین این دو را دارد.

در واقع این استرس و ملال از سمت جامعه به فرد ترنس تحمیل می شود، جامعه ای که به فرد ترنس می گوید هویتش را نمی پذیرد و او را مورد آزار قرار می دهد و گرنه ترنس بودن به نوبه خود مشکل محسوب نمی شود و درمانگران می توانند این استرس و ملال تحمیل شده از سمت جامعه را مدیریت کنند و فرد ترنس را از این استرس خلاصی دهند و در مقابل هیچ درمانگری نمی تواند ترنس بودن را شفا دهد زیرا ترنس بودن به خودی خود یک بیماری نیست.

منبع : وب سایت محتوا





اسفندماهی  
مهریون  
تولدت مبارک



هر کسی  
لیافت  
عشق  
یه  
اسفندماهی  
رو نداره...





## تقویم پسرانه سال ۱۳۹۷ منتشر شد

دوستان رنگین کمانی ، تقویم بسیار زیبای پسرانه سال ۱۳۹۷ شمسی ویژه دسکتاپ کامپیوتر منتشر شده است و به زودی نسخه ی موبایل و تبلت نیز طراحی خواهیم کرد. برای دانلود رایگان این تقویم میتوانید عضو روبات تلگرام مجله شوید و به وب سایت مجله پسران به آدرس [www.PesaranMag.com](http://www.PesaranMag.com) مراجعه کنید.





عکس برگزیده

پسرا







مجله اینترنتی

پساران



[info@PesaranMag.com](mailto:info@PesaranMag.com)